

Comparing Parenting Styles and Self-efficacy Between Tajik Male and Female Teenagers

*Seifi M¹, Bazarovich Ghaderaf Gh²

Author Address

1. PhD Student in Psychology, Sadridin Aini University, Dushanbe, Tajikistan;
2. Professor, University of Tajikistan Academy of Education, Dushanbe, Tajikistan.

*Corresponding Author's Email: mozhgann.seifi@yahoo.com

Received: 2022 September 10; Accepted: 2022 October 19

Abstract

Background & Objective: Children will experience emotional and cognitive changes in different aspects when they mature into adolescence. During this period, growth and transformation occur in physical, cognitive, and social-emotional fields. Excluding the infancy period, the most extensive changes occur in adolescence. The beginning of adolescence is associated with puberty, containing physical, cognitive, social, and emotional development. During this period, significant and widespread changes occur in the self-concept of teenagers due to the experience of an identity crisis. Family and its status are the first and most crucial social system that effectively forms self-efficacy and self-esteem in their children. Many factors, including sociocultural factors, influence how families educate their teenagers and promote their self-efficacy. Parenting and its relationships are important because evidence shows that parents' interaction with their children plays a significant role in determining the children's self-efficacy. Children's psychological characteristics and gender also affect parents' interaction methods and parenting styles. Different parenting styles create different behaviors among children and teenagers. In other words, children's behavior is strongly influenced by the family's parenting styles. This research aimed to compare parenting styles and self-efficacy in male and female teenagers in Dushanbe, Tajikistan.

Methods: The research method was descriptive-analytical and of comparative causal type. The statistical population of the current study included all 10000 high school students studying in the city of Dushanbe, Tajikistan, in the academic year of 2010–2011. Of them, 300 eligible girls and boys were randomly selected by multi-stage cluster sampling method. In this way, 6 schools were randomly selected from secondary high schools in Dushanbe in the first stage. In the next stage, 3 secondary schools were randomly selected from each school. The inclusion criteria were as follows: growing up under a mother's guardian during childhood and adolescence, lacking physical disabilities and chronic diseases, and not taking drugs. The exclusion criterion was incomplete answering to the study questionnaires. The research tools were the Baumrind Parenting Styles Questionnaire (Baumrind, 1991) and the Self-efficacy Scale (Sherer et al., 1982). Data analysis was done using the *t* test comparing the averages of two independent groups at a significance level of 0.05.

Results: In the present study, the mean \pm SD age of the study females was 16.50 ± 1.09 , and that of the males was 16.48 ± 1.08 years. The results of the present study showed a significant difference between the two groups of males and females in the variables of self-efficacy ($p=0.041$) and authoritarian parenting style ($p=0.048$). Teenage females obtained a higher average score (66.40 ± 10.70) in self-efficacy than males (61.31 ± 15.97). Also, adolescent males received a higher average score (111.00 ± 8.02) in authoritarian parenting style than females (127.54 ± 5.84).

Conclusion: The results of the present study showed differences between the two groups of teenage females and males in Tajikistan in terms of perceived self-efficacy and parenting styles. The adolescent males reported a higher authoritarian parenting style. In general, authoritative parenting is characterized by high demands from parents and their inadequate responses. These parents do not see the need to provide a reason for their orders and emphasize their children's unconditional obedience and respect. Parents encourage girls to seek and maintain close relationships. On the other hand, boys' tendency to be independent in individual and interpersonal situations imposes a heavy burden on them and forces them to fight hard to get rid of their parents' domination. Such a struggle is considered disobedience by parents and sometimes forces them to be strict in interacting with boys, ultimately reducing the teenagers' self-efficacy. One of the effects of correct parenting roles and methods in the family is the opportunities provided for children to know their capabilities and talents and take steps toward self-efficacy. This issue makes their time and energy optimally spent on positive things. Dealing with positive things and feeling that parents always have a supportive role, in turn, makes children feel self-efficacy. Developing effective educational programs and counseling to the family to use the best parenting style to increase self-efficacy, especially in male adolescents, are suggested among families.

Keywords: Self-efficacy, Parenting styles, Males, Females.

مقایسه سبک‌های فرزندپروری و خودکارآمدی بین دختران و پسران تاجیکستان

*مژگان سیفی^۱، قادر بازارویچ قادراف^۲

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه صدرالدین عینی، دوشنبه، تاجیکستان؛
 ۲. استاد، دانشگاه آکادمی تحصیلات تاجیکستان، دوشنبه، تاجیکستان.
 *ارایانه نویسنده مسئول: mozhgann.seifi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۹ شهریور ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۲۷ مهر ۱۴۰۱

چکیده

زمینه و هدف: خانواده و وضعیت آن اولین و مهم‌ترین نظام اجتماعی است که بر شکل‌گیری خودکارآمدی و عزت‌نفس تأثیر دارد. هدف از انجام پژوهش حاضر مقایسه سبک‌های فرزندپروری و خودکارآمدی نوجوانان دختر و پسر شهر دوشنبه در تاجیکستان بود.

روش بررسی: روش پژوهش توصیفی-تحلیلی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی دانش‌آموزان پایه متوسطه به‌تعداد ۱۰ هزار نفر تشکیل دادند که در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ در شهر دوشنبه تاجیکستان مشغول به تحصیل بودند. از میان آن‌ها سیصد دختر و پسر واجد شرایط، به‌صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و به‌شکل تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (بامریند، ۱۹۹۱) و مقیاس خودکارآمدی (شرر و همکاران، ۱۹۸۲) بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تی مقایسه میانگین‌های دو گروه مستقل با سطح معناداری ۰/۰۵ صورت گرفت.

یافته‌ها: نتایج پژوهش حاضر نشان داد، بین دو گروه دختران و پسران در متغیرهای خودکارآمدی ($p=0/041$) و سبک فرزندپروری مستبدانه ($p=0/048$) تفاوت معنادار وجود دارد؛ همچنین دختران میانگین بیشتری در خودکارآمدی ($61/31 \pm 15/97$) درمقایسه با پسران ($66/40 \pm 10/70$) و پسران میانگین بیشتری در سبک فرزندپروری مستبدانه ($111/00 \pm 8/02$) درمقایسه با دختران ($127/54 \pm 5/84$) کسب کرده‌اند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر مشخص کرد، بین دو گروه دختران و پسران تاجیکستان در میزان خودکارآمدی و سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده تفاوت وجود دارد؛ به‌طوری‌که پسران سبک فرزندپروری مستبدانه بیشتری را گزارش می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: خودکارآمدی، پسران، دختران، سبک‌های فرزندپروری.

و جزئی‌تر و خودپنداره خواهد شد (۷). باورهای خودکارآمدی به فرایندهای خودتنظیمی^۷ اشاره دارد. باورهای خودکارآمدی منعکس‌کننده مفهوم‌سازی ساختارهای دانش هستند که فرایندهای ارزیابی و به‌نوبه خود، رفتار را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند (۸). بندورا خودکارآمدی را اعتماد فرد درباره توانایی خود در موفقیت برای کسب نتیجه مطلوب در شرایطی مشخص تعریف کرد و آن را تعیین‌کننده میزان تلاش و پایداری و دوام افراد در مقابله با موانع و تجربیات نامطلوب دانست (۹).

شیوه تربیتی خانواده^۸ برای نوجوانان خود، از عوامل زیادی مانند عوامل اجتماعی فرهنگی و غیره تأثیر می‌پذیرد و بر خودکارآمدی^۷ فرزندان اثر می‌گذارد (۱۰). موضوع فرزندپروری^۹ والدین و روابط با آنها از این نظر مهم است که شواهد پژوهشی نشان داد، شیوه‌های تعامل والدین با فرزندان نقش چشمگیری در تعیین میزان خودکارآمدی آنها دارد (۱۱). هر خانواده و هر والد شیوه‌های منحصربه‌فردی در تعامل با فرزند خود به‌کار می‌برد؛ باوجود این باورهای فرزندپروری را به سه سبک مستبدانه^۹ و مقتدرانه^{۱۰} و سهل‌گیرانه^{۱۱} تقسیم کرد. وی بر این باور بود که والدین مستبد، علاوه بر تعامل سرد با فرزندان، کنترل زیادی بر اعمال و رفتار آنان دارند و اغلب درباره کنترل بیش‌ازحد خود به فرزندان توضیحی ارائه نمی‌دهند؛ همچنین والدین مقتدر مانند والدین مستبد بر رفتار فرزندان کنترل دارند؛ باین‌حال آنها برخلاف والدین مستبد رابطه گرم با فرزندان برقرار می‌کنند؛ درنهایت والدینی که سبک فرزندپروری آنان از نظر باورهای سهل‌گیرانه است، کنترل اندکی بر رفتار کودکان خود دارند و به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر سنی خودشان تصمیم‌گیری کنند؛ اگرچه ممکن است فرزندان در آن سنین قادر به اتخاذ تصمیم‌های صحیح نباشند (۱۲).

دراین‌راستا ترنر و همکاران نشان دادند، فرزندپروری مقتدرانه بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان و نیز انگیزش درونی و خودکارآمدی تحصیلی اثر دارد (۱۳). فیروزی و همکاران دریافته‌اند، فرزندان والدین مقتدر می‌آموزند که تعارض وقتی به‌بهترین وجه رفع می‌شود که نظرهای طرف مقابل در مذاکره‌ای دوستانه مهم شمرده شود. این مجموع مهارت‌ها باعث حل مشکل به‌صورت مشترک و مؤثر و افزایش خودکارآمدی فرزندان می‌شود (۱۴). در پژوهش ملک‌زاده و همکاران تعامل خودکارآمدی و پذیرش/طرد ادراک‌شده و تعامل خودکارآمدی با کنترل/آزادی ادراک‌شده، هر دو، پیش‌بینی‌کننده معنادار پذیرش خود^{۱۲} در نظر گرفته شد. علاوه بر این خودکارآمدی و پذیرش/طرد ادراک‌شده به‌طور مجزا پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار روابط مثبت با دیگران و بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان بود (۱۵).

تاسکر عقیده داشت، ویژگی‌های روان‌شناختی فرزندان و جنسیت آنان، شیوه‌های تعامل والدین را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (۱۶). تقی‌لو نتیجه گرفت، والدین در تعامل با دختران بیشتر از پسران از شیوه‌های مقتدرانه استفاده می‌کنند، با افزایش سن فرزند نوجوان آزادی‌های

نوجوانی^۱ دوره‌ای از رشد انسان است که تحولاتی عمیقی در ساختار جسمانی و روان‌شناختی فرد رخ می‌دهد (۱). تغییرات ساختاری و روان‌شناختی دوران بلوغ نوجوانان، بحرانی اساسی رشدی به‌شمار می‌رود (۲). دوره نوجوانی در واقع مرحله گذار از کودکی به بزرگسالی و جوانی است. سلامت نوجوانان و جوانان، باتوجه به اینکه درصد زیادی از جمعیت هر کشور را تشکیل می‌دهند، از اهمیت زیادی برخوردار است (۳). در سال‌های اخیر مشکلات سلامت روان به‌طور فزاینده‌ای در کودکان و نوجوانان افزایش یافته و باتوجه به تأثیرات منفی این مشکلات بر رشد روانی‌هیجانی و اجتماعی کودکان، نگرانی‌هایی در سطح جامعه پدیدار شده است؛ به‌این‌ترتیب متخصصان سلامت کودک بر اهمیت و ضرورت تشخیص مشکلات کودکان و همین‌طور ارائه رویکردهای درمانی مناسب برای درمان اختلال‌های روان‌شناختی آنها بیش از پیش تأکید دارند. اقدامات به‌موقع برای تشخیص مشکلات سلامت روان کودکان و نوجوانان، از دغدغه‌های اصلی دستگاه سلامت روان است (۴). نوجوانان به‌عنوان اعضای از جامعه که در مرحله گذار از کودکی به جوانی هستند، حساسیت‌ها و عواطف و شناخت‌واره‌های خاص خود را دارند که مسیر یادگیری و پیشرفت آنها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و نیز از آن تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین نظارت بر رشد آنها از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. خانواده، نظامی اجتماعی به‌شمار می‌رود که از گروهی افراد تشکیل شده است و این افراد به‌واسطه ازدواج، تولیدمثل و فرزندپروری در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. خانواده نقش مهمی در پیشرفت و تحول کودکان و نوجوانان بر عهده دارد و بدون شک از نظام‌های بسیار مهمی است که زمینه رشد جسمانی و روان‌شناختی و اجتماعی‌هیجانی را برای فرد فراهم می‌آورد (۵).

زمانی که کودکان به دوره نوجوانی انتقال می‌یابند، تحولات عاطفی و شناختی را در سطوح مختلف تجربه خواهند کرد. در این دوره، رشد و تحول در زمینه‌های جسمانی و شناختی و اجتماعی‌هیجانی رخ می‌دهد؛ در واقع، اگر از دوره نوزادی چشم‌پوشی شود، تغییرات گسترده‌تر در سن نوجوانی اتفاق می‌افتد. شروع دوره نوجوانی با بلوغ همراه است که بر تحولات جسمانی و شناختی و اجتماعی‌هیجانی آنها تأثیر می‌گذارد. در این دوره، تغییرات درخور توجه و گسترده‌ای در خودپنداره نوجوانان به‌دلیل تجربه بحران هویت رخ می‌دهد (۶). خانواده و وضعیت آن اولین و مهم‌ترین نظام اجتماعی است که بر شکل‌گیری خودکارآمدی^۲ و عزت‌نفس تأثیر دارد؛ در واقع تعامل‌های اولیه بین والد و فرزند، پایه و اساسی برای رشد حس ارزشمندی خود در اوایل کودکی است. از اواسط کودکی تا نوجوانی دو تحول شناختی منجر به تأثیرات بین‌فردی همسالان بر خودکارآمدی و عزت‌نفس نوجوانان می‌شود. توانایی نوجوانان برای تشکیل مفاهیم انتزاعی^۳ سبب خودارزیابی^۴‌های کلی‌تر در عوض خودارزیابی‌های غیرانتزاعی‌تر

7. Self-Efficacy

8. Parenting

9. Authoritarian

10. Authoritative

11. Permissive

12. Self-Acceptance

1. Adolescence

2. Self-Efficacy

3. Abstract Concepts

4. Self-Evaluation

5. Self-Regulation

6. Family Education

نفر (۱۵۷ نفر برای هر گروه) تعیین شد (۲۱)؛ به این ترتیب ۳۱۴ دختر و پسر دوره متوسطه پرسش‌نامه‌های پژوهش را تکمیل کردند و پس از حذف چهارده پرسش‌نامه مخدوش تعداد آن‌ها به سیصد نفر رسید. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل قراردادن تحت سرپرستی والد مادر در طول دوران کودکی و نوجوانی، وجود داشتن معلولیت‌های جسمانی و بیماری‌های مزمن و مصرف نکردن دارو بود. ملاک خروج از پژوهش پاسخ‌گویی ناقص به پرسش‌نامه در نظر گرفته شد. برای جمع‌آوری داده‌ها ابزارهای زیر به کار رفت.

– پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری بامریند^۳ (بامریند، ۱۹۹۱): پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری بامریند در سال ۱۹۹۱ ساخته شد. شامل سی گویه است که سه خرده‌مقیاس شیوه سهل‌گیرانه و شیوه مستبدانه و شیوه مقتدرانه ادراک‌شده والد مادر و پدر را در طیف لیکرتی از کاملاً مخالفم=صفر تا کاملاً موافقم=۴ ارزیابی می‌کند. کسب نمره بیشتر در هر یک از خرده‌مقیاس‌های این ابزار حاکی از شیوه‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه و مقتدرانه بیشتر است (۱۲). بوری ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و ۰/۸۶ و ۰/۷۸ را به ترتیب برای سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه و مقتدرانه در گروه مادران و ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۷۷ و ۰/۸۵ و ۰/۹۲ را به ترتیب برای سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه و مقتدرانه در گروه پدران به دست آورد و روایی محتوایی و سازه پذیرفتنی را گزارش کرد (۲۲). مروتی شریف‌آباد و همکاران ضرایب آلفای کرونباخ را برای سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب ۰/۶۱ و ۰/۸۶ و ۰/۸۶ به دست آوردند؛ همچنین آن‌ها با محاسبه تحلیل عاملی تأییدی پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری بامریند، شاخص‌های مجذورکای نرم‌شده^۴، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب^۵، برازش تطبیقی^۶ و نکویی برازش^۷ را به ترتیب برابر با ۲/۱، ۰/۴، ۰/۹۰ و ۰/۹۱ به عنوان روایی سازه ابزار گزارش دادند (۲۳).

– مقیاس خودکارآمدی^۸ (شرر و همکاران، ۱۹۸۲): مقیاس خودکارآمدی شرر و همکاران در سال ۱۹۸۲ ساخته شد. شامل هفده گویه است که خودکارآمدی را در طیف لیکرتی از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵ نمره‌گذاری می‌کند. کسب نمره بیشتر در ابزار حاکی از خودکارآمدی بیشتر است. شرر و همکاران برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۸۶ و همبستگی این مقیاس را با شایستگی بین‌فردی^۹ برابر با ۰/۴۵ به عنوان شاخصی از روایی همگرایی ابزار گزارش کردند (۲۴). در ایران اصغرنژاد و همکاران برای بررسی روایی، روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی را به کار بردند و نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، وجود سه عامل را در این مقیاس نشان داد؛ همچنین نتایج تحلیل عاملی تأییدی مبین وجود یک الگوی تک‌عاملی مقیاس خودکارآمدی بود. اصغرنژاد و همکاران برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ را به دست آوردند (۲۵).

مراجعه به مدارس و انتخاب کلاس‌ها و کسب اجازه از معلم‌ها، صورت

بیشتری برای وی در نظر گرفته می‌شود و برخلاف نوجوانان دختر، با افزایش سن فرزندان نوجوان پسر، اختیارات بیشتری به آنان می‌دهند (۱۷). پژوهشی مک‌کینی و همکاران نشان داد، پسران درمقایسه با دختران تنبیه‌های کلامی و جسمی بیشتری دریافت می‌کنند (۱۸). شواهد پژوهشی به دست آمده از مطالعه سامیا و همکاران حکایت از آن داشت که علاوه بر جنس، ترتیب تولد فرزندان نیز در تعیین شیوه‌های تعاملی والدین نقش اساسی دارد؛ به طوری که پسرهای دارای برادر یا خواهر کوچک‌تر از خود، بر این باور هستند که والدین رفتاری توأم با طرد با آنان دارند؛ در مقابل، دختران دارای برادر یا خواهر کوچک‌تر از خود، بر این باور هستند که رفتار والدین با آنان گرم و توأم با پذیرش است (۱۹).

ادراک خودکارآمدی در نوجوانان زمینه‌ساز رشد و تحول آن‌ها در امور مختلف به ویژه عملکرد تحصیلی^۱ است و خودکارآمدی ضعیف موجب شکست تحصیلی نوجوانان و موفق نبودن و کناره‌گیری آن‌ها از امر تحصیل می‌شود. علاوه بر این خودکارآمدی ضعیف، افکار منفی و بی‌انگیزگی در آن‌ها را به دنبال دارد و در آینده این نوجوانان نیز اثرگذار است؛ به طوری که اهداف و خواسته‌های شغلی آن‌ها را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد (۲۰)؛ از این رو بررسی عوامل مداخله‌گر بر خودکارآمدی نوجوانان بر اهمیت و ضرورت انجام پژوهش حاضر می‌افزاید؛ به طور کلی، از مرور پژوهش‌های انجام‌شده نظیر تحقیقات ترنر و همکاران (۱۳) و فیروزی و همکاران (۱۴)، چنین استنباط شد که سبک‌های فرزندپروری والدین از جمله عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت نوجوانان به ویژه ادراک خودکارآمدی در آن‌ها است. تعامل نوجوانان با والدینشان به خصوص مادران موجب شکل‌گیری ادراکات شناختی و هیجانی آن‌ها درباره خود می‌شود. علاوه بر این، به نظر می‌رسد جنسیت نوجوانان و شیوه‌های فرزندپروری والدین از عوامل مهم تعیین‌کننده خودکارآمدی به شمار می‌رود (۱۵) و شیوه‌های تعامل با فرزندان دختر و پسر متفاوت است (۱۷)؛ با این حال شواهد پژوهشی اندکی در این حوزه وجود دارد؛ از این رو هدف پژوهش حاضر مقایسه سبک‌های فرزندپروری و خودکارآمدی در دختران و پسران شهر دوشنبه در تاجیکستان بود.

۲ روش بررسی

روش پژوهش توصیفی تحلیلی از نوع علی‌مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی دانش‌آموزان پایه متوسطه به تعداد ۱۰ هزار نفر تشکیل دادند که در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ در شهر دوشنبه (کشور تاجیکستان) مشغول به تحصیل بودند. نمونه‌گیری به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی انجام گرفت؛ به این ترتیب که از بین مدارس متوسطه شهر دوشنبه، در مرحله اول شش مدرسه و در مرحله بعد از هر مدرسه سه پایه متوسطه به طور تصادفی انتخاب شد. برای تعیین حجم نمونه، نرم افزار جی‌پاور^۲ به کار رفت و با در نظر گرفتن اندازه اثر ۰/۲ و خطای نوع اول ۰/۵ و توان آزمون ۰/۹۵، حجم نمونه ۳۱۴

6. Comparative Fit Index (Cfi)

7. Goodness Of Fit Index (Gfi)

8. Self-Efficacy Scale

9. Interpersonal Competency

1. Academic Performance

2. G*Power Software

3. Baumrind Parenting Styles Questionnaire

4. Normed Chi-Square (X^2/Df)

5. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

میانگین و انحراف معیار به کار رفت؛ همچنین برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی پیش فرض نرمال بودن، آماره لون برای بررسی پیش فرض همگنی واریانس‌های دو گروه، آزمون تی مستقل، نرم‌افزار SPSS و سطح معناداری ۰/۰۵ استفاده شد.

۳ یافته‌ها

جدول ۱ ویژگی‌های دموگرافیک شرکت‌کنندگان از جمله سن را براساس تعداد و درصد نشان می‌دهد. همچنین در جدول ۱ به بررسی معناداری تفاوت میانگین سنی دو گروه شرکت‌کننده براساس سن پرداخته شده است.

گرفت. سپس، دانش‌آموزان هر کلاس به شکل گروهی در داخل کلاس پرسش‌نامه‌ها را تحویل گرفتند تا در محیط خانه به همراه مادرانشان آن‌ها را تکمیل کنند و بعد از یک هفته بازگرداندند. برای جلوگیری از سوگیری احتمالی در پاسخ به پرسش‌نامه‌ها و تقویت اعتبار نتایج جمع‌آوری شده از راهکار ایجاد موازنه استفاده شد و با تغییر در ترتیب ارائه پرسش‌نامه‌ها، زمینه حفظ تعادل در اعتبار پاسخ‌ها به گویه‌های پرسش‌نامه‌ها فراهم آمد. در این پژوهش رعایت ملاحظات اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه و تضمین حریم خصوصی و رازداری صورت گرفت. پرسش‌نامه‌های تکمیل شده جمع‌آوری شد و تجزیه و تحلیل آن‌ها از طریق روش‌های آماری توصیفی و استنباطی انجام پذیرفت. در پژوهش حاضر به منظور توصیف داده‌ها، روش‌های آماری

جدول ۱. مقایسه توزیع متغیرهای جمعیت‌شناختی پژوهش

مقدار احتمال	آماره تی	سن پسران		سن دختران		گروه پسران		گروه دختران		سن
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
						۲۲/۶۷	۳۴	۲۳/۳۳	۳۵	پانزده سال
						۲۹/۳۳	۴۴	۲۶/۶۷	۴۰	شانزده سال
۰/۹۱۶	۱/۰۶	۱/۰۸	۱۶/۴۸	۱/۰۹	۱۶/۵۰	۲۴/۶۷	۳۷	۲۶/۶۷	۴۰	هفده سال
						۲۳/۳۳	۳۵	۲۳/۳۳	۳۵	هیجده سال
						۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۱۵۰	کل

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در پژوهش حاضر بین دو گروه دختران و پسران به لحاظ میانگین سنی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۲. نتایج آزمون تی مستقل برای مقایسه متغیر خودکارآمدی بین دو گروه دختران و پسران

مقدار احتمال	مقدار تی	مقدار احتمال آزمون لون	میانگین \pm انحراف معیار	گروه	متغیر
۰/۰۴۱	۱/۳۵	$> 0/05$	$61/31 \pm 15/97$	دختران	خودکارآمدی
			$66/40 \pm 10/70$	پسران	
۰/۹۲۳	۰/۰۹۷	$> 0/05$	$48/18 \pm 2/66$	دختران	سبک مقتدرانه
			$46/75 \pm 2/53$	پسران	
۰/۰۴۸	-۲/۰۶	$> 0/05$	$127/54 \pm 5/84$	دختران	سبک مستبدانه
			$111/00 \pm 8/02$	پسران	
۰/۰۷۱	-۱/۸۴	$> 0/05$	$45/87 \pm 3/16$	دختران	سبک سهل‌گیرانه
			$49/33 \pm 2/17$	پسران	

خودکارآمدی در نوجوانان دختر و پسر تاجیکستان بود. نتایج پژوهش حاضر مشخص کرد، بین دو گروه دختران و پسران به لحاظ خودکارآمدی و سبک فرزندپروری مستبدانه تفاوت وجود دارد؛ به طوری که دختران نمره بیشتری در مقایسه با پسران در خودکارآمدی و پسران نمره بیشتری در مقایسه با دختران در سبک فرزندپروری مستبدانه کسب کرده‌اند.

یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات زیر همسوست: فیروزی و همکاران تأثیر سبک‌های فرزندپروری را بر بهزیستی نوجوانان نشان دادند (۱۴)؛ ملک‌زاده و همکاران به رابطه ادراک طرد والدین با خودارزشمندی اشاره کردند (۱۵)؛ تقی‌لو دریافت، والدین در تعامل با دختران بیشتر از پسران، شیوه‌های مقتدرانه به کار می‌برند (۱۷)؛ مک‌کینی و همکاران نتیجه گرفتند، فرزندان پسر تنبیه جسمانی بیشتری

جدول ۲ مشخص می‌کند، آزمون لون برای هیچ‌یک از متغیرهای بررسی شده معنادار نیست؛ بنابراین مفروضه همگنی واریانس‌ها برای متغیرهای خودکارآمدی و سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه و سهل‌گیرانه رعایت شده است؛ همچنین بین دو گروه دختران و پسران به لحاظ خودکارآمدی ($p=0/041$) و سبک فرزندپروری مستبدانه ($p=0/048$) تفاوت معناداری وجود دارد؛ همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، دختران میانگین بیشتری در خودکارآمدی ($61/31 \pm 15/97$) در مقایسه با پسران ($66/40 \pm 10/70$) و پسران میانگین بیشتری در سبک فرزندپروری مستبدانه ($111/00 \pm 8/02$) در مقایسه با دختران ($127/54 \pm 5/84$) کسب کرده‌اند.

۴ بحث

هدف از انجام این پژوهش مقایسه سبک‌های فرزندپروری و

می‌دهد (۳۱). پژوهش فیروزی و همکاران نشان داد، بعد پاسخ‌گویی که حاکی از میزان گرمی والدین و حمایت از کودک است موجب افزایش توان ابراز وجود، اعتماد به نفس قوی و احساس ارزشمندی در فرزند دختر می‌شود. والدین مقتدری که پاسخ‌گو هستند و نظارت متوسطی را اعمال می‌کنند، در تحول شایستگی اجتماعی فرزندان خود در مقایسه با شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه به میزان بیشتری تسهیل‌کننده خواهند بود. سبک مقتدرانه نتیجه پاسخ‌گویی و کنترل به صورت توأمان است و شاید علت پیامدهای مثبت سبک مقتدرانه این باشد که فرزندان، کنترل زیاد همراه با پاسخ‌گویی را نشانه اهمیت و رسیدگی والدین می‌دانند (۱۴).

دهقان منشدی و همکاران عنوان کردند، از تأثیرات کارکرد نقش‌ها و روش‌های تربیتی صحیح والدین در خانواده این است که فرصت‌هایی برای فرزندان فراهم می‌شود تا قابلیت‌ها و استعداد‌های خود را بشناسند و در جهت خودکارآمدی گام بردارند. این مسئله باعث می‌شود وقت و انرژی آن‌ها به گونه بهینه صرف امور مثبت شود. پرداختن به امور مثبت و داشتن احساس اینکه والدین همواره نقش حمایتی دارند، به نوبه خود سبب شکل‌گیری احساس خودکارآمدی در فرزندان خواهد شد (۳۲).

فکور و همکاران معتقد بودند، شیوه‌های گوناگون فرزندپروری موجب بروز رفتارهای متفاوت در میان کودکان و نوجوانان می‌شود؛ به بیان دیگر رفتارهای کودکان به شدت تحت تأثیر شیوه‌های فرزندپروری حاکم بر خانواده قرار دارد (۳۳). منابعی که خودکارآمدی را شکل می‌دهند، از جمله منابع شکل‌دهنده خودکارآمدی خودتنظیم‌گرانه هستند. باورهای خودکارآمدی به فرایندهای خودتنظیمی اشاره دارند و منعکس‌کننده مفهوم‌سازی ساختارهای دانش هستند که فرایندهای ارزیابی و به نوبه خود، رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهند (۸).

بندورا اعتقاد داشت، خودکارآمدی فرایندی ذهنی است که در طول دوره تحولی رشد انسان شکل می‌گیرد و شامل شناسایی هدف، برآورد تلاش و توانایی‌های لازم برای رسیدن به آن اهداف و پیش‌بینی نتیجه آن می‌شود. افراد دارای خودکارآمدی قوی به توانایی‌های خود باور دارند و برای رسیدن به هدف خویش پافشاری می‌کنند و تسلیم نمی‌شوند (۳۴). خودکارآمدی توانایی است که در آن خرده‌مهارت‌های رفتاری، عاطفی، اجتماعی و شناختی باید سازمان‌دهی شوند و برای اهداف بی‌شمار به‌طور مؤثر به صورت هماهنگ درآیند. خودکارآمدی، باعث فعال‌شدن جریان‌های عاطفی و هیجانی و شناختی می‌شود که انتقال دانش و توانایی‌ها به عمل ماهرانه را تحت نفوذ دارند (۳۵).

خودکارآمدی ادراک‌شده پیمانه‌ای برای سنجش میزان مهارت‌های فرد در یک حوزه نیست؛ بلکه باور فرد در این زمینه است که با در اختیار داشتن مجموعه‌ای از مهارت‌ها و در شرایط مختلف چه کاری از دستش بر می‌آید؛ به عبارت دیگر بین این موضوع که فرد دارای چه مهارت‌هایی است و این مسئله که با داشتن این مهارت‌ها و در شرایط مختلف چه اقدامی انجام خواهد داد، تفاوت وجود دارد (۲۰)؛ یعنی فرد ممکن است با وجود دارا بودن مهارت‌های لازم برای انجام یک عمل و اشراف بر نحوه انجام آن عمل، به دلیل داشتن باورهای خودکارآمدی ضعیف، عملکرد ناموفقی داشته باشد. اشخاص با خودکارآمدی قوی، علاقه و انگیزش درونی به کار و تمایل به افزایش

در مقایسه با دختران دریافت می‌کنند (۱۸)؛ تاسکر (۱۶) و سامیا و همکاران (۱۹) به ارتباط سبک‌های فرزندپروری با خودکارآمدی و جنسیت اشاره کردند.

در تبیین یافته‌های حاضر می‌توان گفت که الگوهای عملکرد خانواده، یعنی ابعاد عملکردی خانواده در شیوه‌های فرزندپروری منعکس می‌شود و به سبک‌های والدگری مربوط است (۲۶). شکل‌های مختلف، ترکیب و ساختار خانواده ممکن است به روش‌های متفاوت بر رشد شخصیت کودکان تأثیرگذار باشد. پرورش کودکان یکی از ابعاد عملکرد والدین است و اعضای مهم‌تر این فرایند والدین هستند (۲۷). شیوه‌های فرزندپروری، از مؤلفه‌های اساسی در تحول و تربیت فرزندان است و زمینه‌ساز بسیاری از ابعاد شخصیتی، نگرش‌ها، احساس‌ها و عادت‌های آنان به‌شمار می‌آید. از آنجاکه نوجوانان ممکن است ضعف شدیدی در بسیاری از فرایندهای هیجانی، اجتماعی، رفتاری و عملکردی خود، داشته باشند و همچنین اولین بخش تعلیم و تربیت کودک در محیط خانواده و به خصوص توسط مادران (به دلیل صرف زمان بیشتر در کنار فرزندان) شکل می‌گیرد، نقش بارز مادران در کاهش این مشکلات انکارناپذیر است (۲۸).

فرزندپروری مستبدانه با تقاضاهای زیاد والدین و پاسخ‌دهی کم آن‌ها مشخص می‌شود. این والدین لزومی در ارائه دلیل برای دستورات خود نمی‌بینند و بر اطاعت و احترام بی‌چون و چرای فرزندان تأکید می‌کنند (۲۷). در این خانواده‌ها کودکان و نوجوانان تمایل دارند مقدار بیشتری از احساسات منفی را تجربه کنند و مایل به خودداری از بیان احساسات خود هستند. طبق نظریه اجتماعی‌شدن احساسات، خانواده‌ای گرم از نظر عاطفی منجر به احساس مثبت و امنیت در کودکان می‌شود که به آن‌ها اجازه می‌دهد احساسات خود را به صورت مطلوب شناسایی و بیان کنند (۲۹). همسو با این یافته‌ها، طبق نتایجی که از مطالعه تقی‌لو حاصل شد، با افزایش سن فرزند، کنترل نامناسب والدین بر رفتارهای او افزایش و رفتارهای فرزندپروری مثبت کاهش می‌یابد. دوره بلوغ میانه، زمان اوج گرفتن تعارضات بین فرزندان و والدین است؛ اما در دوره‌های بعدی اگرچه تعارض مادران با فرزندان کاهش می‌یابد، پدر همچنان وضعیت غلبه‌گونه خود را حفظ می‌کند. از آنجاکه در جامعه والدین، دختران را آسیب‌پذیرتر و شکننده‌تر از پسران تلقی می‌کنند، دختران را بیشتر از پسران نیازمند حمایت می‌دانند. آن‌ها سعی دارند فرزندان را منطبق بر انتظارات تربیت کنند؛ بنابراین با دختران که از نظر آنان ظریف‌تر و آسیب‌پذیرتر هستند، منعطف‌تر و با پسران مستبدانه رفتار می‌کنند (۱۷).

این درحالی است که والدین با محبت و گرم فرزندان خود را تشویق می‌کنند نظر خود را هرچند نادرست یا متفاوت و نیز هیجان‌های خود را به درستی و کامل ابراز دارند. این شیوه فرزندپروری اغلب سبب خودتنظیمی و تنظیم هیجانی و راهبردهای کنارآمدن مؤثر می‌شود (۳۰). وی و کندال پیشنهاد کردند، در انتهای دیگر پیوستار پذیرش والدین، طرد و انتقادگری آن‌ها قرار دارد. این‌طور گمان می‌رود که طرد و انتقادگری والدین بر تنظیم هیجان، رشد حس خودارزشمندی/شایستگی و باورها و اسنادهای فرزندان درباره محیط بیرونی اثرگذار است و متعاقباً مشکلات روانی را در آن‌ها افزایش

تلاش خود دارند. آن‌ها در مقابله با موانع، پشتکار بیشتری از خود نشان می‌دهند و بسیار مؤثر عمل می‌کنند (۳۶).

طبق نتایجی که از پژوهش تقی‌لو حاصل شد، والدین رفتار دختران را به سمت جست‌وجوی روابط نزدیک و حفظ آن متمایل می‌سازند؛ این در حالی است که گرایش پسران به استقلال در موقعیت‌های فردی و بین‌شخصی بار سنگینی را بر آن‌ها تحمیل می‌کند و آنان را وادار می‌سازد برای رهایی از سلطه والدین به مبارزه‌ای دشوار دست بزنند. چنین مبارزه‌ای از سوی والدین نافرمانی تلقی می‌شود و گاهی آنان را مجبور به سخت‌گیری در تعامل با پسران می‌کند (۱۷) که در نهایت به نظر می‌رسد از میزان خودکارآمدی آن‌ها می‌کاهد.

هر پژوهشی در بطن خود محدودیت‌هایی دارد که تعمیم نتایج پژوهش را محدود می‌سازد؛ در این پژوهش از مقیاس خودگزارش‌دهی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد و در این‌گونه مقیاس‌ها امکان سوگیری وجود دارد. همچنین ماهیت همبستگی پژوهش نتیجه‌گیری علی را دشوار می‌کند. به علاوه می‌توان به ناتوانی پژوهشگر در کنترل عوامل دیگر مانند طبقه اجتماعی اقتصادی دانش‌آموزان اشاره کرد که ممکن است نتایج پژوهش را تحت‌تأثیر قرار داده باشد؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نقش متغیر مذکور بررسی شود. توصیه می‌شود برای تعمیم بیشتر نتایج، پژوهش‌های آتی روی جامعه‌های دیگر مانند جمعیت بالینی انجام گیرد. تدوین برنامه‌های آموزشی مؤثر و ارائه روش‌های مشاوره به خانواده برای استفاده از بهترین سبک فرزندپروری به منظور افزایش خودکارآمدی به‌ویژه در نوجوانان پسر در بین خانواده‌ها پیشنهاد می‌شود؛ به‌طور کلی می‌توان گفت، لازم است والدین به‌ویژه مادران از شیوه‌های فرزندپروری و تأثیر هر یک از الگوها بر وضعیت‌های روانی و رفتاری و رشد شخصیت فرزندان‌شان آگاهی‌های لازم را داشته باشند.

۵ نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد، بین دو گروه دختران و پسران به‌لحاظ

خودکارآمدی و سبک فرزندپروری مستبدانه تفاوت وجود دارد؛ به‌طوری‌که دختران نمره بیشتری در خودکارآمدی و نمره کمتری در سبک فرزندپروری مستبدانه کسب کرده‌اند.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی نوجوانان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر و همچنین مسئولان محترم دانشگاه تشکر و قدردانی می‌شود.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و دریافت رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان
از شرکت‌کننده‌های تحقیق حاضر دست‌نوشته‌ای در قالب بیانیه‌ای در زمینه تأیید و رضایت اخلاقی دریافت شد.

رضایت برای انتشار

داده‌های جمع‌آوری شده در پژوهش حاضر تنها به‌شکل خام در اختیار محقق است تا مراکز مربوط رسمی (مثل دانشگاه) بتوانند به‌منظور صحت‌سنجی در صورت لزوم آن‌ها را بررسی کنند.

در دسترس بودن داده‌ها و مواد

داده‌های پشتیبان نتایج گزارش شده در مقاله که در طول مطالعه تحلیل شدند، به‌صورت فایل ورودی داده در نزد نویسنده مسئول حفظ خواهد شد.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

منابع مالی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری از دانشگاه صدرالدین عینی است. اعتبار برای مطالعه گزارش شده از منابع شخصی تأمین شده است.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان سهم یکسانی در تهیه پیش‌نویس مقاله و بازبینی و اصلاح مقاله حاضر بر عهده داشتند.

References

1. Keating DP I, Demidenko M, Kelly D. Cognitive and neurocognitive development in adolescence. In: Reference module in neuroscience and biobehavioral psychology. Elsevier; 2019. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-809324-5.23636-5>
2. Page CE, Coutellier L. Adolescent stress disrupts the maturation of anxiety-related behaviors and alters the developmental trajectory of the prefrontal cortex in a sex- and age-specific manner. *Neuroscience*. 2018;390:265-77. <https://doi.org/10.1016/j.neuroscience.2018.08.030>
3. Moghadam R, Tabibi J, Riahi, Hajinabi K. A comparative study of adolescent and youth health status: a systematic review. *Journal of Health Promotion Management*. 2019;8(6):67-75. [Persian] <http://jhpm.ir/article-1-1097-en.pdf>
4. Morelli V. Adolescent health screening: an update in the age of big data. St. Louis, Missouri: Elsevier; 2019, pp: 1-5.
5. Latva R, Furmark C. Family support; international trends. In: Benson JB, editor. *Encyclopedia of infant and early childhood development*. 2nd ed. Oxford: Elsevier; 2020. pp: 603-12. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-809324-5.21817-8>
6. Faramarzi S, Abedi MR, Karimi M. The relationship between coping styles and adolescents' depression. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*. 2013;3(2):17-26. [Persian] https://cbs.ui.ac.ir/article_17309_65811f7fea29975f1d0fa5655b8d5403.pdf
7. Gorrese A, Ruggieri R. Peer attachment and self-esteem: a meta-analytic review. *Personality and Individual Differences*. 2013;55(5):559-68. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2013.04.025>
8. Milioni M, Alessandri G, Eisenberg N, Castellani V, Zuffianò A, Vecchione M, et al. Reciprocal relations between emotional self-efficacy beliefs and ego-resiliency across time. *J Pers*. 2015;83(5):552-63. <https://doi.org/10.1111%2Fjopy.12131>
9. Bandura A. *Self-efficacy: the exercise of control*. New York, NY, US: W H Freeman/Times Books/ Henry Holt & Co; 1997.
10. Lv B, Zhou H, Liu C, Guo X, Liu J, Jiang K, et al. The relationship between parental involvement and children's self-efficacy profiles: a person-centered approach. *Journal of Child and Family Studies*. 2018;27(11):3730-41. <https://doi.org/10.1007/s10826-018-1201-6>

11. Albanese AM, Russo GR, Geller PA. The role of parental self-efficacy in parent and child well-being: a systematic review of associated outcomes. *Child Care Health Dev.* 2019;45(3):333–63.
12. Baumrind D. The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence.* 1991;11(1):56–95. <https://doi.org/10.1177/0272431691111004>
13. Turner EA, Chandler M, Heffer RW. The influence of parenting styles, achievement motivation, and self-efficacy on academic performance in college students. *Journal of College Student Development.* 2009;50(3):337–46. <http://dx.doi.org/10.1353/csd.0.0073>
14. Firoozi MR, Mohamadi MN, Nikdel F. The predictive role of emotional intelligence and perceived parenting styles in happiness of students. *Positive Psychology Research.* 2017;2(4):39–50. [Persian] <https://doi.org/10.22108/pppls.2017.21730>
15. Malekzade L, Heidari M, Pakdaman S, Tahmassian K. The mediator relationship/effect of subsets of applied parenting styles and self-efficacy on psychological well-being in adolescents. *Journal of Family Research.* 2014;10(1):113–26. [Persian] https://jfr.sbu.ac.ir/article_96657_05934f53a65d5356137ca46f5752dd1c.pdf
16. Tasker F. Same-sex parenting and child development: reviewing the contribution of parental gender. *Journal of Marriage and Family.* 2010;72(1):35–40. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2009.00681.x>
17. Taghiloo S. Study of adolescents perceived parenting styles based on their gender and age. *Journal of Family Research.* 2018;13(3):447–59. [Persian] https://jfr.sbu.ac.ir/article_97588_e4f9df34b1cfe668017d55fdbc78e932.pdf
18. McKinney C, Milone MC, Renk K. Parenting and late adolescent emotional adjustment: mediating effects of discipline and gender. *Child Psychiatry Hum Dev.* 2011;42(4):463–81. <https://doi.org/10.1007/s10578-011-0229-2>
19. Someya T, Uehara T, Kadowaki M, Tang SW, Takahashi S. Effects of gender difference and birth order on perceived parenting styles, measured by the EMBU scale, in Japanese two-sibling subjects. *Psychiatry Clin Neurosci.* 2000;54(1):77–81. <https://doi.org/10.1046/j.1440-1819.2000.00640.x>
20. Usher EL, Morris DB. Self-efficacy. In: Friedman HS, Markey CH. *Encyclopedia of mental health.* 3rd ed. Oxford: Academic Press; 2023. pp: 117–24. <https://doi.org/10.1016/B978-0-323-91497-0.00085-0>
21. Kang H. Sample size determination and power analysis using the G*Power software. *J Educ Eval Health Prof.* 2021;18:17. <https://doi.org/10.3352/jeehp.2021.18.17>
22. Buri JR. Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment.* 1991;57(1):110–9. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa5701_13
23. Morowatisharifabad MA, Khankolabi M, Gerami MH, Fallahzade H, Mozaffari-khosravi H, Seadatee-Shamir A. Psychometric properties of the persian version of parenting style and dimensions questionnaire: application for children's health-related behaviors. *International Journal of Pediatrics.* 2016;4(9):3373–80. [Persian] <https://doi.org/10.22038/ijp.2016.7318>
24. Sherer M, Maddux JE, Mercandante B, Prentice-dunn S, Jacobs B, Rogers RW. The self-efficacy scale: construction and validation. *Psychological Reports.* 1982;51(2):663–71. <https://doi.org/10.2466/pr0.1982.51.2.663>
25. Asgharnejad T, Ahmadi Dehghotboddini M, Farzad V, Khodapanahi MK. Psychometric properties of sherer's general self-efficacy scale. *Journal of Psychology.* 2006;10(3):262–74. [Persian]
26. Matejevic M, Jovanovic D, Ilic M. Patterns of family functioning and parenting style of adolescents with depressive reactions. *Procedia – Social and Behavioral Sciences.* 2015;185:234–9. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.03.460>
27. Ghani FBA, Roeswardi SI, Aziz AA. Parenting styles and their relation to teenagers' personality profile in single mother families: a case study. *Procedia – Social and Behavioral Sciences.* 2014;114:766–70. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.12.782>
28. Doustani S, Ghamarani A. Comparing the effectiveness of emotion socialization and parenting metaphors training for mothers on feeling of shame in children with internalized behavioral problems. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences.* 2021;11(2):27–42. [Persian] <https://doi.org/10.22108/cbs.2022.127592.1505>
29. Amerian E, Nouhi S, Janbozorgi M. Evaluating the causal model of fathers' personality pattern and alexithymia in adolescent girls: the mediating role of dysfunctional parenting styles. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal.* 2021;10(8):69–80. [Persian] <https://frooyesh.ir/article-1-2817-en.pdf>
30. Borjali A, Talebi-Najafabadi S, Molamadkhani S, Farrokhi NA, Danesh E. Explaining the relationship between perceived parenting styles and obsessive-compulsive symptoms: the mediation role of self-efficacy and thought fusion. *Thoughts and Behavior in Clinical Psychology.* 2019;13(47):67–76. [Persian] https://itbcp.riau.ac.ir/article_1425_112c204057001f7e54271ddfcc17395c.pdf
31. Wei C, Kendall PC. Parental involvement: contribution to childhood anxiety and its treatment. *Clin Child Fam Psychol Rev.* 2014;17(4):319–39. <https://doi.org/10.1007/s10567-014-0170-6>
32. Dehghan Manshdi M, Kamali Ardakani H, Hemati H. The mediating role of self-efficacy in relationship between parenting styles and happiness in students. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal.* 2020;9(7):109–18. [Persian] <http://frooyesh.ir/article-1-2038-en.pdf>
33. Fakoor F, Sahebdel H, Ebrahimpour M. Development of a parenting education package based on motivational psychotherapy and its feasibility study on improving mothers' parenting and reducing anxiety in boys with confrontational disobedience. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal.* 2022;11(3):149–58. [Persian] <https://frooyesh.ir/article-1-3405-en.pdf>
34. Bandura A. Toward a psychology of human agency. *Perspectives on Psychological Science.* 2006;1(2):164–80. <https://doi.org/10.1111/j.1745-6916.2006.00011.x>
35. French DP, Wright JD. Self-efficacy and health. In: *International encyclopedia of the social and behavioral sciences.* Elsevier BV; 2015. pp: 509–14.
36. Schunk DH. Self-efficacy and education and instruction. In: Maddux JE. *Self-efficacy, adaptation, and adjustment: theory, research, and application.* Boston, MA: Springer US; 1995. pp: 281–303. https://doi.org/10.1007/978-1-4419-6868-5_10